

فمنیسم! نه مرد... نه زن، هیچ!



پس باید گفت؛ در صورت مسئله ما باید یک تجدیدنظر داشته باشیم که نگاه اسلام به زن چیست و این چنین به زن نگاه کنیم که اسلام در بسیاری از تکالیف بین زن و مرد هیچ تفاوتی قائل نشده و تکلیف را انسانی می‌داند. اگر چنین نگاهی داشته باشیم، نمی‌توانیم سختی بین نگاه اسلامی به زن و نگاه فمینیسمی داشته باشیم. اگرچه باتوجه به این‌که با ظهور انقلاب اسلامی، زنان به جایگاه والایی در رشد انسان در بعد اجتماعی و خانوادگی رسیدند، امروز آن‌ها سعی می‌کنند جامعه ما را تحت‌الشعاع قرار بدهند که اگر به این منظر نگاه کنیم؛ بله! یکی از اهداف آنان زنان مسلمان جامعه ما هستند و تبلیغاتی را هم برای این موضوع در نظر گرفته‌اند تا با تحت‌الشعاع قراردادن زنان ما، به کلیت جامعه آسیب بزنند.

تا چه اندازه در اعمال این نظریات توانسته‌اند به موفقیت‌هایی هم برسند؟
ببینید برای جواب این سؤال شما باید این را بررسی کنیم که فمینیسم امروز در

کرده‌اند. در ایران آمده‌اند را بومی آزادی این نوع اشتباهی وجود دارد، آن‌هم این‌که؛ اصلاً باید دید که در اسلام جایگاه زن چگونه است و آیا اصلاً نیازی به چنین دیدگاهی برای زن وجود دارد یا خیر؟! در واقع ما می‌بینیم زن در اسلام به لحاظ خلقت، شخصیت، تکوین و تکلیف و شأنیت؛ متفاوت از آن چیزی است که فمینیسم‌ها تعریف کرده‌اند.

آیا در تفکرات فمینیسمی جایگاهی برای زنان مسلمانان در نظر گرفته شده است؟
ببینید تفکرات فمینیسم با توجه به تعریفی که دارند، خودشان معتقدند به دنبال احقاق حقوق زنان هستند؛ بنابراین آن‌ها هدف را عام تعریف کردند. خاصیت‌گاه این تفکر، آمریکا و فرانسه و کشورهای دیگر بوده است، اما این‌که بیایند بگویند ما جایگاه خاصی برای مطالبات زنان مسلمان قائل هستیم، به‌نوعی می‌توان گفت آن‌ها چنین تعبیری ندارند، اما در عین حال عده‌ای آمده‌اند در کشورهای مسلمان اهدافی که فمینیسم‌ها داشته‌اند را به نفع خودشان دنبال

اشاره:

«فمینیسم لغتی فرانسوی است که به آنچه در قرن ۱۹ در آمریکا، تحت عنوان «جنش زنان» معروف بود، اطلاق می‌شد. جنش زنان مجموعه متنوعی از گروه‌هایی بود که هر یک به نحوی در «پیش‌برد» موقعیت زنان تلاش می‌کردند. البته فرهنگ علوم سیاسی، فمینیسم را این‌گونه معرفی می‌کند: «دفاع و جانبداری از حقوق زنان و عقیده به برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مبارزه در راه وصول به این برابری».

از نظر تاریخی، در دهه ۱۹۸۰ میلادی، فمینیسم به‌عنوان یک لغت، معانی متفاوتی را پیدا کرد. در این دوره حامیان نقش اجتماعی زنان که از حقوق آنان به‌عنوان یک موجود مستقل نیز دفاع می‌کردند، «فمینیست» نام گرفتند. اما در سال‌های گذشته با دگرگونی در نقش‌های اجتماعی و فردی زنان، تحولاتی نیز در بیان و معرفی فمینیسم ایجاد شده‌است، تا اندازه‌ای که نمی‌توان قالب واحدی را از این تعاریف استخراج نمود.

... و البته این‌ها تعاریفی مختصر از واژه‌ی آشنای «فمینیسم» است که هر کدام از ما به لحاظ موقعیت‌ها و مطالعاتی که در زمینه‌های مختلف داشته‌ایم، بارها و بارها با این اصطلاح آشنا اما غریب روبه‌رو شده‌ایم. بله! آشنا از این جهت که زیاد دیدیمش و خواندیمش و غریب از این جهت که ما یک مسلمانیم و تعابیرمان از انسان بودن و رای این نگاه‌های این چنین است...

بیش از این را باید خودتان در گفت‌وگویی ما با سرکار خانم «نیره قوی» استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران که دانش جوی دکتری رشته‌ی انقلاب اسلامی است و خارج از فقه و اصول هم می‌خواند بخوانید و به قول خود ایشان؛ خودتان هم به قضاوت بنشینید!

غرب در چه مرحله و چه نقطه‌ای است. ما امروز این تفکر را در غرب در مقابل دو نقد می‌بینیم. نقدهای بیرونی و درونی. منظوری از نقدهای درونی، نقدهایی است که توسط کسانی گفته می‌شود که خودشان به این باور رسیده بودند که فمینیسم برای رهایی زن از بندهای فراوان اجتماعی و خانوادگی به وجود آمده‌است، اما خودشان نقدهای شدیدی به این تفکر وارد کردند. از جمله این نقدها، گرایش‌های مختلفی است که در این تفکر وجود دارد که با توجه به نظریات ارائه شده در این تفکر، این گروه نقاد آمده‌اند و فمینیسم را به جنگ علیه زنان تعبیر کرده‌اند.

زنی که امروز فمینیسم از آن تعریف می‌کند؛ دیگر زن نیست، زنی که می‌خواهد از زن بودن خارج شود و در واقع نمی‌خواهد مرد هم باشد؛ چرا که مرد را هم نفی می‌کند و اصلاً او را یکی از عوامل اسارت و بدبختی زن می‌داند. پس این زن باید به چه پناه ببرد؟

و این گونه است که در مقابل این شاخه از فمینیسم‌های رادیکال و سیاه، شاخه دیگری از فمینیسم هستند که در مقابل فمینیسم قرار

گرفته‌اند و معتقدند که زن باید مادر هم باشد و نهاد خانواده داشته باشد و این‌گونه یک نقد درونی از فمینیسم‌ها علیه فمینیسم‌ها وجود دارد و یک نقد بیرونی.

با همه‌ی این نقدها و دفاعیات از فمینیسم در خودشان، استقبال و یا عدم توفیق این فعالیت‌ها در کشور ما تا چه حد بوده است؟

قبل از پیروزی انقلاب این تفکر در کشور مورد استقبال قرار گرفته بود، اما بعد از پیروزی انقلاب این استقبال به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌شود؛

در دهه‌ی اول انقلاب که این تفکر اصلاً نمی‌تواند جایگاهی در جامعه باز کند؛ چرا که اندیشه‌های حضرت امام و اسلام بسیار زیاد در روح جامعه جاری است و همه تنها به دنبال اسلام هستند و به دنبال هیچ تفکر دیگری نمی‌روند، اما متأسفانه در بعد از دهه دوم انقلاب، شما نشریات و کتبی را می‌بینید و البته شاهد غفلت‌هایی در وزارت ارشاد و در نشر و به نمایش گذاشتن فیلم‌هایی هستید که در این‌ها ترویج و تبلیغ فرهنگ غرب به وفور دیده می‌شود، نه فقط

در مسئله زن؛ بلکه در دیگر مسائل هم. در این بین افرادی هم هستند که به شدت دنبال فرهنگ غرب هستند، چرا که آن‌ها آزادی را با تعاریف و تعابیر غربی ترجمه می‌کنند. مثلاً در بحث حجاب، چون آن‌ها حجاب را محدودیت می‌دانند، پس شروع می‌کنند به مقابله با حجاب و به این ترتیب شبهاتی را وارد می‌کنند و از آن‌جا که جرئت ندارند در کشور اسلامی به‌طور کامل اسلام را نپسندند؛ آمده‌اند آن تفکرات غربی را بومی کرده و یک پسوند اسلامی را هم به آن اضافه می‌کنند تا بدین ترتیب توجیهی برای فعالیت‌های‌شان هم داشته باشند، غافل از این که مبانی اسلام در کل با تفکرات اومانیسم و لیبرالیسم و ... غرب به هیچ عنوان هم‌خوانی نداشته و ندارد.

پس می‌توانیم بگوییم این تعبیر «فمینیسم اسلامی» هم که مدتی است عده‌ای در کشور در حال ترویج آن هستند، از همین تفکر و فعالیت نشأت گرفته‌است؟

ببینید ما چه تعبیری می‌توانیم از فمینیسم اسلامی داشته باشیم؟ اگر بگوییم

زنی که امروز فمینیسم از آن تعریف می‌کند؛ دیگر زن نیست، زنی که می‌خواهد از زن بودن خارج شود و در واقع نمی‌خواهد مرد هم باشد؛ چرا که مرد را هم نفی می‌کند و اصلاً او را یکی از عوامل اسارت و بدبختی زن می‌داند، پس این زن باید به چه پناه ببرد؟

ما باید مطابق نسخه اصلی مان حرکت کنیم. جامعه‌ای که انقلاب کرد، مبنایش اسلام بوده است و باید دید که اسلام برای زن چه جایگاهی دارد و بعد مطابق آن نظام فکری حاکم در جامعه انقلابی و اسلامی، از زن در قانون اسلامی چه تعریفی دارد و البته این جایگاه از نظر مقام معظم رهبری و حضرت امام نیز چه گونه است. به عنوان نمونه برای تان این را می‌گویم که در کتاب «آینده‌ی انقلاب» شهید مطهری در نقل خاطرات‌شان می‌خوانیم که وقتی ایشان برای تنظیم قانون اساسی، خدمت حضرت امام می‌رسند، قبل از این‌که ایشان در مورد حقوق زنان بگویند، حضرت امام به این نکته و جایگاه و حقوق زنان در قانون اساسی تأکید می‌کنند. ضمن این‌که ما نهادها و جایگاه‌های خوبی برای زنانمان داریم مثل امور زنان نهاد ریاست جمهوری، خبرگزاری‌های اختصاصی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی تخصصی و اختصاصی که همه‌ی این‌ها نشان از جایگاه و ارزش زن در جامعه‌ی اسلامی انقلابی ماست.

آیا می‌توان گفت که به طور کامل و صد در صد، تفکرات فمینیسم در تقابل با تفکرات اسلامی جایگاه زن در ابعاد مختلف است؟
من قضاوت را به عهده‌ی خود شما می‌گذارم؛ وقتی یک تفکری نشأت گرفته از این است که اصالت با جسم انسان است و در فمینیسم ما می‌بینیم که در همه‌ی آرمان‌ها و مطالبات‌شان معتقدند که زن باید آزاد باشد، هر چیزی که آزادی زن را محدود کند، حتی اگر دین هم باشد، باید نفی شود. حالا شما این تفکر و این مبنا را در کنار تفکر اسلام قرار دهید که در رأس هرم آن، انسان را موجودی متعالی می‌داند و راه رسیدن به این تعالی و قرب خداوند را تنها از مسیری می‌داند که زن باید تکلیفش را در مقابل خداوند و تمامی جامعه انسانی با تفکر دینی و اسلامی بتواند پاسخگو باشد.
آیا در مقابله با این تبلیغاتی که بعضاً دیده می‌شود، جامعه ما به فکر راه حل‌هایی بوده که بتواند جذابیت‌هایی برای زنان مسلمان در جهت تفکرات ناب اسلامی داشته باشد؟

فمینیستی که صفتش اسلامی بودن است یا فمینیست‌هایی که می‌گویند ما مسلمانیم که این‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ عده‌ای هستند که اظهار نمی‌کنند که ما تفکرات فمینیسم را آن‌طور که وجود دارد قبول می‌کنیم، بلکه می‌گویند ما مسلمانیم و در ظاهر که ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم که یک وجهه‌ی اسلامی هم دارند، منتها می‌گویند در بعد اجتماعی، احقاق حقوق زنان با آن گفتمان حاصل می‌شود.
این یک شاخه است که اینان معتقدند ما نباید از قافله غرب و حقوق بشر عقب بیافتیم، اما عده‌ای دیگر هم هستند که اصلاً نمی‌گویند ما مسلمان هم هستیم، این‌ها خودشان را پیرو فمینیسم می‌بینند و معتقدند که آن گفتمان باید گفتمان حاکم باشد و اسلام را از پایه نمی‌پذیرند، اما از آن‌جا که این‌ها باید در جامعه برای فعالیت‌های‌شان جایی باز کنند، می‌گویند ما فمینیسم‌های اسلامی هستیم. به عبارتی در بطن کار معتقدند که اسلام باید کنار گذاشته شود، اما در ظاهر برای جذب جوانان و دانش‌جویان و اقشار مختلف جامعه نام اسلام را هم در کنار این تفکر می‌آورند.

